

دکتر باقرپور کاشانی



تقریر ماتریالیسم دیالکتیک از نگاه موریس کنفورت

حالا ببینید، اصولی دارد این فلسفه دیالکتیک، من خدمتان این اصولش را خیلی ساده عرض بکنم؛ این اصولش مبتنی به چهار اصل است:

اصل اول؛ اصل تضاد.

اصل دوم؛ تغییر و حرکت.

اصل سوم؛ تأثیر متقابل.

اصل چهارم؛ جهش و انقلاب.

حالا همین اصول فلسفه‌ای که در هستی‌شناسی مطرح کرد، این آمد به نحو دیگری در اقتصاد، در روابط اجتماعی و در روابط سیاسی، همین هم مطرح کرد؛ که حالا ما محل بحثمان نیست. اگر لازم باشد که حتی مثلاً جامعه‌ای که آمد به سبک کمونیستی، جامعه‌ای که آمد به سبک مثلاً اصول فلسفه دیالکتیک به صورت اجتماعی مطرح کرد، چیست قوانینش، خودش یک جلسه می‌طلبد توضیح بدهیم، ما فعلاً بحث هستی‌شناسی را می‌خواهیم مطرح کنیم.

خب، ماتریالیسم دیالکتیک؛ از کتاب همین جناب آقای موریس کنفورت می‌خوانم. ایشان می‌نویسد که: در درون ماده حالت تضاد و تناقض است، تز و آنتی‌تز، این شد اصل اول. در این تضاد درونی، موجب حرکت و تغییر در ماده می‌شود، اصل دوم.

و این تغییر و حرکت درونی، سبب تأثیر متقابل در درون ماده می‌گردد، اصل سوم.

و تأثیر متقابل موجب جهش و پیدایش شیء آخر (سنتز) می‌شود، اصل چهارم.

حالا این را من از خارج برای شما توضیح می‌دهم؛ در درون هر ماده‌ای می‌گوید تضاد و تناقض است، تناقضی که عرض می‌کنم تناقض منطقی نیست، یعنی مخالفت؛ در درون یک ماده، اجزایش با هم‌دیگر در درونش با هم‌دیگر مخالفت دارند؛ این مخالفت دارند، مثل این که دو نفر هستند که با هم‌دیگر کشتی بگیرند. اکنون ایام کشتی و این جریان و این‌ها هست،

مثال گُشتی چیز خوبی‌ست! فرض بکنید که یکی برای کشور ایران، یکی برای کشور آمریکا، دو تا گُشتی گیر، یا دو تا گُشتی‌گیر ایرانی در درون مثال بزنیم، این‌ها باهم گُشتی می‌گیرند، حالا گُشتی که می‌گیرند، این‌ها مقابل هم‌دیگر هستند، این فشار می‌آورد، آن فشار می‌آورد، این گردنش را می‌گیرد، آن پاش و می‌گیرد، این دستش را می‌گیرد، این باعث چه می‌شود؟

باعث تغییر حرکت می‌شود، تغییر و حرکت بین این‌ها می‌شود. خب وقتی تغییر و حرکت بین این‌ها می‌شود، این‌ها هر کدام تأثیر متقابل می‌گذارند. دیشب مثلاً دیدیم که گُشتی‌گیر ایرانی ما، کتفش در رفت، بعد کتف این بنده خدا را دیدم که آمدند جا انداختند! بالاخره این دوتایی که با هم‌دیگر درگیر می‌شوند، این تغییر و حرکتی که دارند، یک تأثیر متقابلی روی هم‌دیگر می‌گذارند، هم‌دیگر را خسته می‌کنند، هم‌دیگر را ناقص می‌کنند، نتیجه‌اش چه می‌شود؟

نتیجه این یک شیء مترقی به اسم سنتز به وجود می‌آید، یعنی تز، آنتی‌تز در درون خودش، مبارزه و جنگ تز و آنتی‌تز در مقابل خودش، شیء مترقی تری از آن تز و آنتی‌تز به عنوان «سنتز» به وجود می‌آید.

سنتز چی؟ سنتز باز در درون خودش، این حالت تقابل هست، دوباره تغییر و حرکت هست، دوباره تأثیر و تأثیر متقابل هست، و باز «سنتز» دیگری به وجود می‌آید.

لذا این را می‌برند گاهی اوقات همین اصول فلسفه هگل، یا مارکس، یا انگلس را می‌برند توی چی؟

در مسئله فرگشت، این را تبیین با فرگشت هم می‌کنند. ببینید فرگشت می‌گوید چی؟

می‌گوید آقا همین جنبش‌ها، مسائلی که در زیست‌شناسی مطرح می‌شود، همین تبدل نوع، مثلاً ما برمی‌گردیم به یک نوعی سنخی مثلاً فرض کن از یک حیوانی، مثلاً یک شامپانزه‌ای یا گوریل یا میمونی، هرچی...

بالاخره این تبدل نوع پیدا کرده، از حیوانی به انسانی، یا تبدل نوع از گیاهی به حیوانی پیدا کرده، این را از لحاظ فلسفی چگونه بخواهند توجیه کنند؟

روی همین اصول فلسفه دیالکتیک مطرحش می کنند. جمعی از زیست شناسان که بحث فرگشت را قبول می کنند و فرگشت را توجیه زیست شناسی برای نظام عالم طبیعت و پدیده ها مطرح می کنند، میان همین هم به عنوان فلسفه ارائه می دهند، حالا می گوید که بعضی ها ممکن است که مثل هگل همین ها را قبول بکند، خدا هم قبول بکند. لذا فرگشت نافی خدا نیست، کسی که فرگشت را قبول بکند، نافی خدا نیست؛ کسی که مثلث هگل هم قبول بکند نافی خدا نیست، چون خود هگل هم خداپرست بوده. این ها هدفشان این بوده که می خواهند حقیقت فرامادی را کنار بزنند، فرگشت به تنهایی در توجیه اصول فلسفه دیالکتیک را مطرح بکنند در توجیه منهای خدا؛ این را می خواهند مطرح کنند.

خب، عبارت جناب موريس کنفورت را بخوانم، در صفحه ۵۹،
از ماترياليسم ديالکتیک؛

ایشان می‌گوید که ماترياليسم مکانیکی، فرض‌های جزمی -
یعنی قطعی معین - دارد؛

یک: این که جهان شامل اشیاء یا ذرات دائمی و پایداری است
که خصوصیات قطعی و ثابت دارند، همان اتم‌ها، ذرات دائمی و
پایدار و خصوصیات ثابت و قطعی.

دو: این که ذرات ماده ماهیتاً بی‌تحرک هستند، یعنی چی؟ یعنی
حرکت درونی ندارند ذاتاً؛ ماهیتاً یعنی ذاتاً.

حرکت چیست؟ حرکت، حرکت عارضی هست، اشیاء روی هم
دیگر اثر می‌گذارند.

و هیچ تغییری واقع نمی‌شود مگر در اثر عمل‌کرد یک علت
خارجی، هر تغییری، این تغییر در ذاتش نمی‌جوشد، این حرکت
در ذاتش نمی‌گنجد، از خارج باید شیئی بهش تأثیر بگذارد و
باعث بشود که یک شیئی حرکت بکند.

سه: این که تمام حرکات و تمام تغییرات را می‌توان به حد فعل و انفعالات مکانیکی ذرات مجزای ماده تقلیل داد.

گفتم که ماتریالیسم مکانیکی، تمام تلاشش این است که توجیه پدیده‌های عالم و با یک دستگاه مکانیکی داشته باشد.

چهار: این که هر ذره ماهیت ثابت خودش را مستقل از همه چیزهای دیگر دارد، و این که مناسبت بین اشیاء مجزاست، صرفاً مناسبت‌های خارجی‌ست. یعنی تأثیرات خارجی.

یک نکته‌ای بگویم، این کتاب را که صحبت شده که خدمت همه آقایان به صورت هدیه بدهند، گویا یک کتابی که مشخص شده بدهند، برای همین من گفتم که همین را از روی کتاب خوانده باشم که متنش فردا در دسترس شما باشد، بخواهید با یک نفر صحبت بکنید و بگویید که آقا در فلان کتاب است، مثلاً خودشان ماتریالیستی این حرف را زده! ما هیچ چیزی نچسبانیدیم به ایشان! این مسئله هست و گفتم از روی کتاب خوانده بشود.

بعد می‌فرمایند که: ماتریالیسم دیالکتیک، با غلبه و پشت سر گذاشتن موضع جزمی مکانیکی اعلام می‌دارد که جهان یک مجتمع از اشیاء نیست، بلکه مجتمعی از پدیده‌هاست؛ و این که حرکت ماده شکل‌های بی‌نهایت متنوعی به خود می‌گیرد، که یکی از دیگری نشأت می‌گیرد و تبدیل به دیگری می‌شود، و این که اشیاء، نه به مثابه واحدهای منفرد مجزا، بلکه در مناسبت و ارتباط متقابل اساسی وجود دارد.

بعد ایشان در همین کتاب، صفحه ۵۹، می‌نویسند: «بنابراین در ماتریالیسم دیالکتیکی یک مفهوم ماتریالیستی وجود دارد که از نظر محتوا بسیار غنی‌تر و جامع‌تر از ماتریالیسم مکانیکی پیشین است».

باز در صفحه ۶۹، می‌نویسند که؛ «کارل مارکس و فریدریش انگلس، با تعقیب جنبه انقلابی نظریات هگل، و آزاد کردن آن از محدودیت‌های ایدئالیسمی -ایدئالیسمی یعنی خدا مثلاً، چیزهای خرافی؛ زدودن حرف‌های خرافی هگل- مفهوم ماتریالیسم دیالکتیکی تکامل را بنیان نهادند.

کلید فهم تکامل در طبیعت و جامعه و جهش‌ها و وقفه‌ها در تداوم که مشخصه تمام تکامل حقیقی‌ست، در تشخیص تضادهای درونی و گرایش‌های مختلف متناقض که در تمام پروسه‌ها عمل می‌کنند، نهفته است».



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir